

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۵۳)
(ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی)

جنبه‌های صوری و معنایی "ساخت جاری" در فارسی امروز

دکتر جلال رحیمیان*

دانشگاه شیراز

چکیده

تحقیق حاضر پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه و اشاره به شمه‌ای از نگرش‌های حاکم بر مفاهیمی چون زمان دستوری، زمان تقویمی و نمود در تحقیقات نحوی متأخر و متقدم، به بیان ویژگی‌های ساخت جاری در فارسی امروز و دفاع از ماهیت مستقل صوری و معنایی آن در برابر ساخت استمراری می‌پردازد.

در این تحقیق، کارکردهای اختصاصی ساخت جاری از جمله بیان جاری بودن رخداد در بستر زمان، مفاهیمی چون رخدادهایی در شرف وقوع، رخدادهای محتمل، بیان هشدار و اعلام اعتراض مورد بحث واقع شده است. طی این پژوهش، هم‌چنین عدم تطابق جنبه‌های صوری افعال با جنبه‌های معنایی در ساخت‌های جاری نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نگاه به افعال لحظه‌ای در تقابل با افعال تداومی، و هم‌چنین افعال پویا در تقابل با افعال از زاویه‌ی ساخت‌های جاری جایگاه ویژه‌ای در این تحقیق داشت.

در این تحقیق، ابزارهای دیگر بیان مفهوم جاری از قبیل ساخت‌های استمراری،

ابزار واژگانی و برخی از گروه‌های حرف‌اضافه‌ای بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: ۱. زمان دستوری ۲. زمان تقویمی ۳. نمود ۴. ساخت جاری ۵. ساخت استمراری.

۱. مقدمه

نگاهی اجمالی به عمده‌ی منابع نحوی سنتی و مدرن فارسی از جمله لمبتون (۱۹۶۱)، اول (۱۹۶۳)، باطنی (۱۳۴۸)، ویندفور (۱۹۷۹)، شفایی (۱۳۶۳)، شریعت (۱۳۶۴)، خانلری (۱۳۷۰)، گیوی و انوری (۱۳۷۰)، غلامعلی زاده (۱۳۷۴)، میرعمادی (۱۳۷۶)، هیرمندی (۱۳۷۰)، ماهوتیان (۱۹۹۷)،

* دانشیار زبان‌شناسی

مشکوه‌الدینی (۱۳۷۹)، وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۷۹)، می‌س (۲۰۰۳)، رفیعی (۲۰۰۱) و لازار (۱۳۸۴) در باب **صورت‌های جاری فعل**^۱، ضرورت بازنگری جدی در نگرش‌های حاکم بر این ساخت‌ها را نشان می‌دهد. از میان منابع فوق وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۷۹) با وجود اشاره به برخی از کاربردهای ساخت‌های مختلف، هیچگاه به ارتباط‌های صوری و معنایی مقوله‌های فوق نپرداخته‌اند.

لازم است سه مقوله‌ی «زمان دستوری»، «زمان تقویمی» و «نمود» و هم‌چنین تعامل میان این سه در بازتاب تمایزات صوری و معنایی میان ساخت‌های گوناگون فعلی با تأملی بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. در برخی از منابع نحو فارسی به وجود بیش از ده زمان دستوری اشاره شده است، در حالی که تمامی زمان‌ها در سه زمان گذشته، حال و آینده خلاصه می‌شود. ریشه‌ی این دسته‌بندی‌های غیرواقعی را باید در تلفیق دو مقوله‌ی متمایز **زمان** و **نمود** جستجو کرد. اگر از زاویه‌ای درست به مقوله‌ی زمان دستوری نگاه شود، آنگاه چهار اصطلاح *ماضی ساده*، *ماضی استمراری*، *ماضی نقلی* و *ماضی بعید* همگی را متعلق به یک زمان خواهیم دانست که اصطلاحاً به آن *ماضی* یا *گذشته* گفته می‌شود. تفاوت این چهار ساخت را باید در **نمود** آن‌ها جستجو کرد که در جای خود از آن بحث خواهد شد.

از آن‌جا که بحث پیرامون همه‌ی ساخت‌های فعلی در یک مقاله نمی‌گنجد، این تحقیق، حوزه‌ی بحث را به بررسی تحلیلی ابعاد معنایی- منظوری **رخداد‌های جاری** در فارسی امروز محدود می‌کند. در این ارتباط، لازم است که میان **زمان دستوری** و **نمود** به عنوان مقولات صوری و **زمان تقویمی** (منطقی) و **نمود** به مثابه‌ی مقولات معنایی- منظوری و هم‌چنین نقش آن‌ها در ارتباط با **ساخت‌های جاری** فارسی تمایز قایل شویم. لازم به ذکر است که ساخت‌های جاری (و نه مفهوم جاری) امروزه به‌طور عمده در زبان گفتاری و سبک‌های غیر رسمی استفاده می‌شود، و شاید این خود یکی از دلایل کم‌عنایتی به این ساخت در مباحث دستوری فارسی باشد. به هر حال، در فارسی امروز ماهیت وجودی ساخت جاری انکارناپذیر است و باید جایگاه آن‌را در فارسی امروز طی مباحث نحوی تبیین کرد.

داده‌های تحقیق تا حد امکان از سایت‌های معتبر رایانه‌ای و منابع نوشتاری استانده از جمله کتب، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصل‌نامه‌های داخل کشور استخراج شده است. گاهی طی تحقیق، داده‌هایی مورد نیاز است، که علی‌رغم خوش‌ساختی و مقبولیت دستوری، به دلایل گوناگون بندرت از منابع فوق به دست می‌آید. در این حالت، با تکیه بر شم زبانی خود و با هماهنگی با دیگر گویشوران فارسی جملات مورد نظر را درست خواهیم کرد. انتظار می‌رود که دست‌آوردهای این مقاله نه تنها برای مدرسان دستور فارسی در سطوح دبیرستان و دانشگاه، بلکه برای استادان آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان و هم‌چنین مترجمانی که از فارسی یا به فارسی ترجمه می‌کنند، مفید واقع شود.

۲. زمان دستوری و تقویمی

برخی از منابع نحوی از جمله گیوی و انوری (۱۳۷۰) و لازار (۱۳۸۴) بدون ارایه تعریفی از **زمان**،

و بدون توجه به تمایز صوری و معنایی این مفهوم، به دسته بندی صورت‌های فعلی پرداخته‌اند. دسته‌ای دیگر از جمله شفایی (۱۳۶۳) و هیرمندی (۱۳۷۰) تعاریفی از زمان ارائه کرده‌اند که جامع و مانع نیست. شفایی (۷۴-۸۶: ۱۳۶۳) با تقسیم زمان، به گرامری و نجومی و هم‌چنین اعتقاد به وجود یک ارتباط کلی میان آن دو، اولی را مفهومی نسبی و دومی را مفهومی مطلق دانسته است. وی عباراتی از قبیل "سه روز" و "چهار هفته" را نمودهایی از زمان نجومی می‌داند. اما، بحث نسبتاً مبسوط ایشان در باب زمان گرامری، نه تنها به تعریف واضحی نمی‌انجامد، بلکه مخاطب را به درک روشنی از این مفهوم نیز رهنمون نمی‌کند. شفایی (۷۵) با اشاره به این‌که زمان گرامری فاقد "واحد سنجش" است، مبدأ سنجش زمان گرامری را لحظه‌ی تکلم می‌داند و هرچه را هنوز رخ نداده است مربوط به زمان آینده‌ی گرامری می‌داند. ایشان ساخت‌هایی از قبیل می‌ریزد و فرومی‌رود را مصادیق زمان حال گرامری می‌داند، و در باب آینده گرامری نیز نمونه‌ای ارائه نمی‌دهد. مختصر این‌که، بحث شفایی، خواننده را قادر به ایجاد تمایز مطلوبی میان زمان دستوری و زمان تقویمی نمی‌سازد.

هیرمندی (۱۲-۲۷: ۱۳۷۰) نیز با درک تمایز میان دو جنبه‌ی متفاوت زمان، از ملاحظات میان زمان دستوری (tense) و زمان غیردستوری (time) سخن می‌گوید. تعریف هیرمندی که با استفاده از مدخل tense در دائرة المعارف آمریکانا صورت گرفته، نه تنها کلی و مبهم است، بلکه با اشکال تعریف شفایی مواجه است. هیرمندی هم‌چنین ضمن اذعان به فلسفی بودن زمان غیردستوری، آن را مفهومی مبهم دانسته، تعریفی از آن ارائه نمی‌کند. معدودی از تحقیقات دستوری که عمدتاً انگلیسی هستند سه مقوله‌ی زمان دستوری، زمان تقویمی و نمود را از هم متمایز می‌کنند. هادلستون و پولوم (۱۹۶۰: ۲۰۰۲) زمان دستوری (tense) را دستگاهی می‌دانند که در آن واژگان با معانی خود معین‌کننده‌ی جایگاه کل یا بخشی از یک موقعیت در یک برهه یا یک نقطه از زمان تقویمی هستند.

آن‌چه ما از آن به زمان دستوری تعبیر می‌کنیم، صرفاً به صورت صرفی کلمه‌ی فعل مربوط است و هیچ ربطی به زمان تقویمی که از امتداد لحظه‌هایی که دقیق، ساعات، روزها، هفته‌ها و امثال آن را تشکیل می‌دهد، ندارد. این تعبیر از زمان، اصولاً در دو دسته از صورت‌های فعلی ظهور دارد: نخست، صورت‌هایی از قبیل می‌روند، می‌آید، می‌گوییم و می‌خندی، که "غیرگذشته" نامیده می‌شوند، و دوم، صورت‌هایی چون رفتند، آمدید، گفتیم و خندیدی که "گذشته" خوانده می‌شوند. صورت‌های غیرگذشته همواره با پیشوند "می" همراهند^۲، و صورت‌های گذشته با "می" یا بدون "می" ظاهر می‌شوند. هم‌چنین برخلاف تصور رایج، زبان فارسی فاقد مفهومی بنام "زمان دستوری آینده" است، و صورت‌هایی از قبیل خواهم گفت و خواهیم آمد، تنها بیانگر رخدادهایی هستند که با احتمال زیاد در آینده‌ی تقویمی رخ خواهند داد. هر کدام از صورت‌های خواهم گفت و خواهیم آمد، در حقیقت، متشکل از یک فعل کمکی بنام خواه و یک فعل اصلی هستند که هیچکدام به اعتبار صورت بیانگر زمان دستوری آینده نیستند. البته این بدین معنا نیست که فارسی فاقد زمان تقویمی آینده است، بلکه این دو، مقوله‌هایی متمایز و جداگانه هستند.

زمان تقویمی هر رخداد، برخلاف زمان دستوری که ربطی به دقایق و ساعات و امثال آن ندارد، تنها با وجود این مفاهیم مصداق عینی و عملی پیدا می‌کند. به بیانی دیگر، بستر و ظرف تحقق هر رخداد، لحظه‌ها و دقایق، ساعات و امثال آن است. از این رو، اگر زمان تقویمی کلام مبنا قرار گیرد، می‌توان گفت که ظرف زمانی هر رخداد، کل، یا بخشی از یکی از زمان‌های تقویمی گذشته، حال یا آینده خواهد بود. بر این پایه، انطباق نظام‌مندی میان زمان دستوری و تقویمی به عنوان یک اصل ثابت در فارسی نیست، هر چند در مواردی مصادیقی از انطباق دیده می‌شود. برای مثال، در جمله زیر، زمان دستوری و زمان تقویمی انجام‌گرفت هر دو گذشته است:

۱- سال‌ها بعد، اقدام سازمان‌یافته‌ای در زمینه‌ی اصلاح خط فارسی انجام‌گرفت (سمیعی، ۱۳۷۹:۱۹۳)

برخلاف مورد فوق، بسیاری اوقات، این دو زمان، با هم منطبق نیستند. برای نمونه، دو فعلی که در جمله‌های (۲) و (۳) با حروف پررنگ نوشته شده از نظر دستوری گذشته‌اند. به هر حال، اولی به عملی اشاره دارد که به‌طور مستمر در زمانی نامعین در گذشته رخ داده است، در حالی که دومی به رخدادی اشاره دارد که هرگز محقق نخواهد شد.

۲- ... جهانگردان از اقصی بلاد شمال غربی آفریقا بار سفر می‌بستند ... (سمیعی، ۱۳۷۹: ۱۹)

۳- فردا باید به تهران می‌رفتم، اما گرفتاری اجازه نمی‌دهد

به عنوان یکی دیگر از مصادیق عدم تطابق زمان دستوری و تقویمی، می‌توان به موقعیتی فرضی اشاره داشت که فردی به منظور هشدار به مخاطبی که در حال حمل یک لیوان آب است می‌گوید: "مواظب باش! آب ریخت"، در حالی که آب هنوز نریخته و تنها در شرف ریختن است. در این‌جا نیز صورت فعل ریخت گذشته است، اما به رخدادی اشاره دارد که شاید هرگز محقق نشود، یعنی آب هیچ‌گاه نمی‌ریزد.

۳. نمود

منظور از "نمود" شیوه‌ی نگرش گوینده به رخداد مورد نظر است (رک هادلستون و پلوم ۵۲، ۱۱۸: ۲۰۰۲). نمونه‌های زیر را بنگرید:

۴- آن‌ها نیز دیده‌ها و شنیده‌های خود را ثبت می‌کردند (سمیعی، ۱۳۷۹: ۱۹)

۵- نخستین شماره صوراسرافیل در ۱۷ ربیع‌الثانی انتشار یافت (محیط طباطبایی، ۱۳۵: ۱۳۶۶)

۶- علی داشت کتاب می‌خواند که یکی از دوستانش پیش او آمد (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹: ۱۲۶)

تا آن‌جا که مفاهیم زمان دستوری و تقویمی، مطرح است، افعال پرننگ فوق همگی به "گذشته" دلالت دارند. اگر چنین است، پس تفاوت آن‌ها در چیست؟ تفاوت در نگرشی است که گوینده به هر کدام از این سه رخداد دارد. گوینده‌ی جمله‌ی (۴)، هنگام ادای فعل ثبت می‌کردند به استمرار عمل در بستر زمان نظر داشته است، یعنی این کاری بوده که مسافران با فاصله اما به‌طور مستمر و دایم در طول سفر انجام می‌دادند. از اینرو نمود فعل ثبت می‌کردند "استمراری" است. در جمله‌ی (۵)، گوینده به کلیت انتشار یافتن نگاه می‌کند، و لحظه لحظه‌های انتشار یافتن مطمح نظر وی نیست. در اینحالت نمود فعل انتشار یافت "تام" است. در جمله‌ی (۶)، نظر گوینده ناظر به لحظه لحظه‌های خواندن یا به عبارتی فنی ناظر به ساخت درونی رخداد است که در بستر زمان جاری است. این ویژگی نمودین را "جاری" می‌نامیم. حال آشکار می‌شود، ساختی را که دستورهای سنتی و گاهی دستورهای مدرن به نام زمان "ماضی مطلق" می‌شناختند، در واقع بازتاب دو مفهوم متمایز در این رویداد است که یکی "زمان" و دیگری "نمود" نامیده می‌شود. بنابراین ساخت "ماضی مطلق" صورتی از فعل با زمان گذشته و نمود "تام" است. در زبان، مکرر شاهدیم که "زمان" دستوری و "نمود" صوری با "زمان تقویمی" و "نمود" معنایی مطابقت ندارند:

۷- اگر در اوان زمان این نشریات زرد از شون حمایت نمی‌کردن شاید مردم کمتری فریب

می‌خوردن <http://baztab.com/news/56959.php>

در نمونه‌ی فوق، "حمایت نمی‌کردن" از نظر صوری، گذشته‌ی استمراری است، اما از نظر معنایی به رخدادی که پیش از بیان کلام به‌طور استمراری حادث شده باشد دلالت ندارد. اینگونه تمایزات زمانی و نمودین مقوله‌ی مهمی است که در حد ضرورت به آن خواهیم پرداخت.

۴. ساخت جاری

منظور از "ساخت جاری" ساختی است که یا از گذشته‌ی فعل کمکی داشتن به همراه گذشته‌ی استمراری فعل اصلی، و یا از غیرگذشته‌ی فعل کمکی داشتن به همراه غیرگذشته‌ی فعل اصلی درست شده باشد: داشتیم می‌رفتیم و دارد می‌دود نمونه‌هایی از این دستند. نمود ساخت جاری به اعتبار صورت، همواره جاری، و زمان آن نیز گذشته یا غیرگذشته است، اما، تطابق یا عدم تطابق میان جنبه‌های صوری و معنایی این ساخت، به بافت کلام بستگی دارد. برای نمونه، گاهی ساخت فعلی علی‌رغم جاری بودن نه به رخدادی جاری بلکه به واقعه‌ای در شرف وقوع اشاره دارد. گاهی مفهوم جاری با ابزاری غیر از ساخت جاری، از جمله قیود بیان می‌شود. گاهی نیز نوع فعل و ویژگی‌های معنایی آن تأثیری بسزا در تعبیر رخداد دارد.

۴.۱. کاربردهای ساخت جاری

به نظر می‌رسد که ساخت جاری از کاربردهایی متنوع و جالب برخوردار باشد، که برخی از آن‌ها تنها مختص زبان فارسی است، و در بسیاری از دیگر زبان‌های زنده دنیا دیده نمی‌شود. در زمینه‌ی

کاربردهای ساخت جاری و ویژگی‌های آن هنوز تحقیق منسجمی در زبان فارسی صورت نپذیرفته است. بنابراین، آنچه در این تحقیق ذکر می‌شود تنها گامی آغازین در این راه است و امید است که پژوهش‌های آتی ناگفته‌های فراوانی را در این حوزه بیان کند.

۱.۱.۴. **رخداد جاری:** از متداول‌ترین کاربردهای ساخت جاری، بیان رخدادی است که هنگام سخن یا پیش از آن به‌طور لحظه‌ای در جریان بوده و ممکن است پس از آن هم ادامه یابد. توجه مخاطب را به نمونه‌های (۸) و (۹) جلب می‌کنیم^۴:

۸- **علی داشت کتاب می‌خواند که یکی از دوستانش پیش او آمد** (مشکوه‌الدینی ۱۳۷۹:۱۲۶)

۹- **من دارم به گل‌ها آب می‌دهم** (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹:۱۲۱)

نمونه‌های (۸) و (۹) را به اعتبار صورت به ترتیب، "گذشته‌ی جاری" و "غیرگذشته‌ی جاری" می‌نامیم. نمونه (۸) نشان می‌دهد که علی در مقطعی از زمان گذشته‌ی تقویمی، مشغول انجام فعلیتی بنام خواندن بوده است. از این رو، می‌توان گفت که زمان تقویمی و نمود معنایی آن نیز گذشته‌ی جاری است. به دیگر سخن در نمونه‌ی (۸) مقولات صوری و معنایی با هم منطبق هستند. نمونه‌ی (۹) نیز حاکی از آن است که گوینده در حالی که جمله‌ی فوق را به زبان می‌آورد، مشغول آب دادن به گل‌هاست. بنابراین باید گفت که رخداد مورد نظر در زمان تقویمی غیرگذشته واقع شده و نمود آن هم جاری است. در این جا نیز چون زمان دستوری و تقویمی با یکدیگر منطبق هستند، هم‌چنین نمود صوری و معنایی نیز با هم همخوان می‌باشند، مقولات صوری و معنایی را منطبق بر هم تلقی می‌کنیم و در اصطلاح رابطه میان صورت و معنا را یک-به-یک می‌دانیم. بنابراین، نخستین کاربرد ساخت جاری عبارتست از بیان رخدادی "جاری" در زمان تقویمی "گذشته" یا "غیرگذشته".

۱.۲.۴. **رخداد استمراری:** دومین کاربرد فعل جاری، بیان رخدادی استمراری در یکی از

زمان‌های تقویمی گذشته یا غیر گذشته است. مثال‌های ذیل را بنگرید:

۱۰- **برادران شری در ایران داشتند عقاید و رفتارهای ایرانی‌ها را برای کشورشان مخابره**

می‌کردند

<http://baztab.com/news/57068php>

۱۱- **ما که صبح تا شب داریم همین کار را می‌کنیم برادر**

<http://baztab.com/news/57166php>

در نمونه (۱۰)، گوینده به رخدادهایی اشاره دارد که در زمان گذشته به‌طور مشابه و مستمر اتفاق افتاده است. تا آن جا که زمان دستوری و تقویمی این رخداد مطرح است، هر دو گذشته هستند. اما نمود صوری و معنایی با یکدیگر مطابق نیستند. نمود صوری به اعتبار فعل کمکی داشتند جاری است، اما نمود معنایی جاری نیست زیرا فعل جمله به رخدادی که هر لحظه در بستر زمان جاری بوده باشد، اشاره ندارد. این فعل، در واقع به مجموعه رخدادهای مشابهی دلالت دارد که طی یک دوره، به‌طور

متوالی و مستمر تکرار شده است. چنین نمودی را اصطلاحاً **استمراری** می‌نامند. بنابراین، صورت **گذشته‌ی جاری** را نیز می‌توان برای بیان رخدادهای **گذشته‌ی استمراری** به کار گرفت.

در مثال (۱۱)، گوینده به رخدادی اشاره دارد که ظاهراً هر روزه و به‌طور مستمر انجام می‌گیرد. در این‌جا نیز علی‌رغم صورت فعل که جاری است، رخداد مورد نظر جاری نیست، زیرا ما با ساخت درونی یا به عبارتی لحظه‌لحظه‌های یک رخداد در مقطعی از زمان سروکار نداریم، بلکه با رخدادهایی متوالی و مستمر در بستر زمان روبرو هستیم که این رخدادها روی هم دوره‌ی زمانی قابل ملاحظه‌ای را بخود اختصاص می‌دهد. بنابراین صورت فوق بیانگر رخدادهایی **استمراری** در زمان تقویمی **غیرگذشته** است.

۴.۱.۳. رخداد در شرف وقوع: یکی دیگر از کاربردهای ساخت جاری، بیان رخدادهایی است

که در آستانه‌ی وقوع هستند:

۱۲- *ما داریم سوار می‌شیم* <http://baztab.com/news/57066php>

ساخت جاری فوق اگرچه از نظر صورت دارای زمان غیرگذشته و نمود جاری است، به رخداد قریب‌الوقوعی اشاره دارد که دارای نمود معنایی "تام" است. در حقیقت، صورت ساخت جاری، در این‌جا نه مطابقه‌ی تقویمی و نه مطابقه‌ی نمودین با کارکرد معنایی خود دارد. بنابراین می‌توان گفت که یکی دیگر از کاربردهای ساخت جاری بیان "آینده‌ی تقویمی تام" است. ساخت‌های جاری گاهی هم برای بیان آینده‌ی تقویمی نه چندان نزدیک هم به کار می‌روند:

۱۳- *استاد سال آینده دارد به مرخصی مطالعاتی می‌رود*

۴.۱.۴. احتمال: ساخت جاری، گاهی برای بیان احتمال تحقق یک اتفاق به کار می‌رود. جمله

زیر ممکن است در بافتی به کار رود که لهستان به انگلستان اعتماد کرده، اما پس از مدتی، شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که لهستان رفته رفته اعتمادش را نسبت به انگلستان از دست خواهد داد. در این شرایط ناظران سیاسی ممکن است بگویند:

۱۴- *لهستان آرام آرام دارد می‌فهمد انگلستان چه خیانتی به او کرده است*

در شرایط فوق، زمان دستوری فعل با زمان تقویمی رخداد منطبق نیست، زیرا هنگام ادای جمله، هنوز درک خیانت محقق نشده است. تطابق صوری و معنایی نمودین در جمله‌ی فوق حاصل نیست، زیرا فعل به اعتبار وجود فعل کمکی دارد از نظر صورت، "جاری" است، اما از نظر معنا به اعتبار شیوه‌ی درک خیانت که در مقطعی از زمان و نه طی یک دوره روی خواهد داد، "تام" است.

۴.۱.۵. هشدار: ساخت جاری را می‌توان برای هشدار نیز به کار برد. جمله زیر را می‌توان به

عنوان هشدار به سران آمریکا تلقی کرد، بدین معنا که سردمداران مخالفت با ایران به هوش باشید که تفکر احمدی‌نژادی بزودی جای خود را در میان ملل جهان باز خواهد کرد، لذا تا دیر نشده به فکر

چاره باشید:

۱۵- همه جا دارد/ احمدی نژادی می‌شود <http://baztab.com/news/57182.php>

در این کاربرد هم، نگاه گوینده، بر خلاف ساخت فعل که غیرگذشته است، به زمانی پس از بیان کلام معطوف است. از نظر نمود هم تطابقی میان صورت و معنا دیده نمی‌شود، زیرا در صورتی که نمود فعل به اعتبار فعل کمکی دارد "جاری" است، نمود خود رخداد "تام" است، زیرا وقوع آن موکول به یک مقطع و نه یک دوره از آینده است.

۶.۱.۴. اعتراض: از دیگر کاربردهای ساخت جاری، بیان اعتراض به شرایط موجود یا رخداد‌های در شرف وقوع است:

۱۶- حالا ما داریم بخاطر اعرابی خودمان را درگیر قضیه می‌کنیم که ادعای جزایر سه‌گانه را دارند <http://baztab.com/news/57081.php>

در جمله فوق، بنظر می‌رسد که درگیری با قضیه هنوز رخ نداده، اما در شرف وقوع است و گوینده با بیان بالا، اعتراض خود را نسبت به شرایط فوق بیان می‌کند. لذا زمان تقویمی رخداد در مقطعی پس از بیان کلام خواهد بود. نمود معنایی رخداد نیز نه جاری که تام خواهد بود.

۴.۲. معنای جاری در ساخت غیر جاری

رخداد‌های جاری گاهی ممکن است بوسیله‌ی ساخت‌هایی غیر از ساخت جاری بیان شود. به عبارت دیگر، لازم نیست که برای بیان وقایع جاری همواره از ساخت جاری استفاده کرد. متداول‌ترین راه‌های بیان مفهوم جاری در زبان فارسی در ذیل به اختصار بیان خواهد شد.

۱. ۴.۲. ساخت استمراری: منظور از ساخت استمراری، صورتی از فعل است که از افزودن پیشوند فعلی "می" به بن مضارع/ماضی درست می‌شود. صورت‌هایی چون می‌گویم، می‌دوم، می‌رفتم، می‌خواستم همگی استمراری هستند. "ساخت استمراری" به‌طور اصولی کاربردی متفاوت نسبت به "ساخت جاری" دارد که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد. به هر حال، آنچه در این جا مورد نظر است، کاربرد ساخت استمراری در بیان مفهوم "جاری" است. در بیشتر مواقع صورت‌های "گذشته" و "غیرگذشته‌ی استمراری" می‌توانند بیانگر رخدادی جاری باشند. در مثال (۱۷)، با توجه به بافت سخن، فعل تبلیغ می‌کرد به رخدادی دلالت دارد که در زمانی پیش از بیان کلام در جریان بوده است. بنابراین می‌توان گفت که در این جا، ساخت "گذشته استمراری" بیانگر مفهوم "گذشته‌ی جاری" شده است:

۱۷- کنار این چند نفر، یک نفر هم با بلند گو تبلیغ می‌کرد...

<http://baztab.com/news/57288.php>

مشابه آن چه در بالا گفته شد ممکن است در زمان تقویمی "غیرگذشته" نیز رخ دهد. بر پایه‌ی بافت، چاوز در جمله زیر، اشاره به حرکت کنونی خود بسوی سوسیالیسم دارد. بنابراین در اینجا، ساخت فعل "غیرگذشته‌ی استمراری"، اما معنای رخداد "غیرگذشته‌ی جاری" است:

۱۸- چاوز: "ما به سوی سوسیالیسم حرکت می‌کنیم و هیچ چیزی و هیچ کسی در این راه جلو دار ما نیست." <http://baztab.com/news/57415>

۲.۲.۴. مشغول + مصدر + بودن: یکی از راه‌های بسیار متداول بیان رخداد‌های جاری استفاده از واژه‌هایی چون "مشغول/درحال" به همراه عبارات مصدری و صورت مناسبی از فعل بودن است. به‌طور مثال، در (۱۹) واژه‌ی "مشغول" اشاره بر جاری بودن آتش‌بازی در بستر زمان دارد. در جمله زیر، به جای استفاده از عبارت داشتند آتش‌بازی می‌کردند، از عبارت مشغول آتش‌بازی ... بودند، استفاده شده است:

۱۹- آنان مشغول آتش‌بازی بودند و تعدادی را دور خودشان جمع کرده بودند
<http://baztab.com/news/57288php>

۲۰- ... در ژاپن دو پدیده به صورت هم‌زمان در حال رشد است

<http://baztab.com/news/57288.php>

۳.۲.۴. گروه حرف اضافه‌ای: از دیگر راه‌های بیان مفهوم جاری در فارسی، استفاده از گروه‌های حرف‌افزای همراه با صورت مناسبی از فعل بودن است. هر کدام از گروه‌های حرف‌افزای در جمله‌های زیر به همراه فعل بودن حاکی از در جریان بودن رویدادهایی چون راز و نیاز کردن و رانندگی کردن هستند:

۲۱- الف- علی در راز و نیاز با خداست

ب- او خودش پشت فرمان است

۵. رخداد‌های پویا و غیر پویا

رخدادها و به تبع آن افعال زبان را از نظر نوع دلالت معنایی می‌توان به پویا و غیرپویا تقسیم کرد. افعالی چون خوردن، نوشتن، ساختن، گفتن و غیره نمونه‌هایی از دسته‌ی نخستند، و افعالی از قبیل فهمیدن، حس کردن، زندگی کردن، دیدن، دانستن نمونه‌هایی از گروه دوم می‌باشند^۵. در زبان فارسی، افعال هر دو دسته در ساخت جاری به کار می‌روند:

۲۲- الف. مهدی دارد غذا می‌خورد

ب. پیام حالا دارد می‌فهمد زندگی خوب یعنی چه!

به هر حال، تفاوت‌هایی اساسی میان این دو دسته از افعال دیده می‌شود. در (۲۲ الف) مهدی در حال انجام فعلیتی است که مراحل متفاوتی دارد. مثلاً مهدی در دقیقه‌ی نخست، سه قاشق، در دقیقه‌ی دوم، شش قاشق، در دقیقه‌ی سوم، نه قاشق از غذا را می‌خورد. بنابراین می‌توان گفت که عمل غذا خوردن فازهای متفاوتی دارد و به بیانی رخداد مورد نظر از نوعی پویایی در بستر زمان برخوردار است و از این رو، جمله از نظر صورت و معنا زمان و نمود یکسانی دارد و هر دو "غیرگذشته‌ی جاری"

هستند. اما، قضیه در (۲۲ب) بنا به ماهیت معنایی فعل، متفاوت است. فعل *دانستن*، فازهای گوناگونی ندارد تا بگوییم پیام در لحظه نخست در بخش ابتدایی فهم قرار می‌گیرد، در لحظه دوم در بخش دوم فهم واقع می‌شود و در لحظه دهم به فهم نهایی نایل می‌شود. در حقیقت، جمله‌ی (۲۲ب)، تنها نشان می‌دهد که پیام در آستانه‌ی کسب یک تجربه قرار گرفته که به زودی بدان نایل می‌شود. و لحظه‌ای که تجربه حاصل شد، در واقع رخداد مورد نظر محقق شده است. بنابراین، فعل‌های پویا را می‌توان همواره در ساخت جاری به کار گرفت و رخدادهای جاری را با آن‌ها بیان کرد. اما، فعل‌های غیرپویا یا در ساخت‌های جاری به کار نمی‌روند یا اگر به کار روند بیانگر رخدادهای جاری نخواهند بود.

۶. افعال لحظه‌ای^۶

دسته‌ی دیگری از افعال هستند که ماهیتاً لحظه‌ای هستند، بدین معنا که تحقق آن‌ها در یک لحظه صورت می‌پذیرد و از آن پس اگر تغییری حادث شود، رخدادی جدید به حساب می‌آید. افعالی از قبیل *نشستن*، *پذیرفتن*، *بدنیا آمدن*، *مردن*، *افتادن*، *آرام گرفتن*، *قول دادن* نمونه‌هایی از این دسته‌اند. در جمله‌ی زیر، پذیرش دلیل و آرام گرفتن رخدادهایی نیستند که تحقق آن‌ها در بستر زمان قابل امتداد باشد. به بیان دیگر افعال لحظه‌ای، برخلاف فعل‌های تداومی، در تحقق مراحل ابتداء، وسط و انتها ندارند:

۲۳- ... حضرت موسی (ع) نیز این دلیل را می‌پذیرد و با این استدلال آرام می‌گیرد.

<http://baztab.com/news/57183.php>

اگرچه بسیاری از افعال لحظه‌ای در فارسی ممکن است در ساخت جاری نیز ظاهر شوند، اما هیچ‌گاه به جاری بودن رخداد دلالت نخواهند داشت. برای مثال، منظور گوینده از جملات (۲۴)، در شرف وقوع بودن رخداد است. البته همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، هر گاه خبر از در شرف وقوع بودن یک رخداد باشد، اظهار مفاهیمی از قبیل نگرانی، هشدار، اخطار، نوید و غیر آن را می‌تواند انتظار داشت:

۲۴- الف. بچه دارد آرام می‌شود

ب. پیرمرد دارد می‌میرد

پ. کتاب دارد می‌افتد

آنگاه که رخدادهای فوق محقق شد، گوینده بجای صورت‌های فوق از جملات زیر استفاده خواهد

کرد:

۲۵- الف. بچه آرام شد/شده است

ب. پیرمرد مرد/مرده است

پ. کتاب افتاد/افتاده است

آن‌چه در باب "صورت‌های جاری" از افعال لحظه‌ای جلب توجه می‌کند، تفاوت نمود صوری و معنایی، و اختلاف زمان دستوری و زمان تقویمی است. برای نمونه، در سه جمله‌ی (۲۴ الف-پ)، در حالی که زمان دستوری غیرگذشته و نمود مربوط جاری است، زمان تقویمی متعاقب آن و نمود مربوط تام است. بنابراین در (۲۴) صورت‌های "غیرگذشته‌ی جاری"، بیانگر "آینده‌ی تقویمی تام" هستند.

در ساخت‌های گذشته نیز تفاوت زمانی و نمودی نیز قابل درک است. در جمله‌های زیر که صورت گذشته‌ی (۲۴ الف-پ) است، هیچکدام به تحقق رخداد به هنگام ادای کلام دلالت ندارند، بلکه تنها به در شرف وقوع بودن واقعه به هنگام بیان جمله اشاره دارند. بنابراین، اگرچه زمان دستوری و نمود صوری در افعال زیر، "گذشته" و "جاری" است، زمان تقویمی نسبت به زمان بیان کلام، "آینده" و نمود معنایی نیز "تام" است.

۲۶- الف. بچه داشت آرام می‌شد

ب. پیرمرد داشت می‌مرد

پ. کتاب داشت می‌افتاد

۷. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر نشان داد که در فارسی امروز، ساخت جاری برای خود ماهیت صوری و معنایی مستقلی دارد که بر خلاف تصور از ساخت استمراری متمایز است. تحقیق حاضر، نشان داد ساخت جاری کارکردهای اختصاصی نیز دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از بیان یکی از تقابل‌های نمودین بنام جاری بودن رخداد در بستر زمان، هم‌چنین اشاره به رخداد‌های در شرف وقوع، بیان احتمال وقوع رخداد، دادن هشدار و اعلام/عتراض. این تحقیق علاوه بر آن عدم تطابق جنبه‌های صوری افعال با جنبه‌های معنایی در ساخت‌های جاری را آشکار کرد. در همین ارتباط دیدیم که گاهی زمان دستوری و نمود صوری فعل تفاوتی آشکار با زمان تقویمی و نمود معنایی آن دارد. طی این تحقیق هم‌چنین آشکار شد که اگرچه افعال لحظه‌ای در تقابل با افعال تداومی، و هم‌چنین افعال پویا در تقابل با افعال غیرپویا همگی در ساخت‌های جاری بکاری می‌روند، اما، تفاوت‌های آشکار و قابل ملاحظه‌ای در قبال این ساخت‌ها از خود نشان می‌دهند.

در نهایت این تحقیق نشان داد که ساخت‌های جاری تنها وسیله‌ی بیان مفهوم رخداد‌های جاری نیستند، بلکه ابزار دیگری از قبیل ساخت‌های استمراری، و واژه‌هایی چون مشغول به همراه صورت‌های مصدری و فعل بودن، و برخی از گروه‌های حرف‌افزای نیز برای انتقال این مفهوم وجود دارند.

یادداشت‌ها

۱. منظور از "صورت‌های جاری فعل"، ساخت‌هایی است که از آن‌ها به‌طور سنتی به عنوان

- ”ساخت‌های استمراری“ یاد می‌شود. اما طی این تحقیق نشان داده خواهد شد که این دو با هم تفاوت‌های بنیادی دارند و از این لحاظ لازم است دو اصطلاح متمایز برای آن‌ها به کار گرفت.
۲. به استثنای دو فعل بودن و داشتن و همچنین فعل کمکی خواه که در ساختی چون خواهم رفت استفاده می‌شود.
۳. لازم به ذکر است که این نوع عدم تطابق‌های صوری و معنایی مختص گذشته نیست و در هر زمان ممکن است قابل مشاهده باشد.
۴. (۸) تکرار (۶) است.
۵. مشکوه‌الدینی (۲۲۳: ۱۳۷۹) این افعال را ادراکی کلامی می‌نامد.
۶. [رک جهان‌پناه (۱۳۶۳)]

منابع

الف. فارسی

- باطنی، محمدرضا. (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- جهان‌پناه، سیمندخت. (۱۳۶۳). فعل‌های لحظه‌ای و تداومی در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی، ۲، ۶۴-۱۰۰.
- خانلری ناتل، پرویز. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی. تهران: توس.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۹). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.
- شفایی، احمد. (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۶۴). دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر.
- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۷۴). ساخت زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب.
- گیوی، احمد و انوری، حسن. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه‌ی مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی برپایه‌ی نظریه‌ی گشتاری. مشهد: دانشگاه فرودسی مشهد.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). توصیف و آموزش زبان فارسی. مشهد: دانشگاه فرودسی مشهد.
- میرعمادی، سیدعلی. (۱۳۷۶). نحو زبان فارسی (برپایه‌ی نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی). تهران: سمت.

وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی (۱). تهران: سمت
هیرمندی، رضی. (۱۳۶۹). توصیف مقابله‌ای زمان‌ها در انگلیسی و فارسی. تهران: مدرسه.
ب. انگلیسی

Elwell-Sutton, L. P. (1963). **Persian Grammar**. Cambridge: Cambridge University Press.

Huddleston, R. D. and Pullum, G. K. (2002). **The Cambridge Grammar of the English Language**. Cambridge: Cambridge University Press.

Lambton, A. K. S. (1961). **Persian Grammar**. Cambridge: Cambridge University Press.

Mace, J. (2003). **Persian Grammar**. New York: Routledge Curzon.

Mahootian, S. (1997). **Persian Grammar**. London: Routledge.

Rafiee, A. (2001). **Colloquial Persian**. New York: Routledge Curzon.

Rahimian, J. (1995). **Clause Types and other Aspects of Clause Structure in Persian**. Unpublished Ph.D Dissertation. Queensland: Queensland University.

Windfuhr, G. L. (1979). **Persian Grammar: History and State of its Study**. New York: Mouton.